حمايت از محيط زيست در جنگ‏ها

قسمت اول‏

ناظر حسين زكى‏

مقدمه‏

حفظ محيط زيست و توجه به مسائل زيست محيطى به خصوص در دوران جنگ يكى از موضوع‏هاى مهم جهانى و دغدغه برانگيز بشر معاصر و مدافعان حقوق بشر است؛(1) زيرا بهره بردارى از طبيعت، حفظ كرامت انسانى و تحقق امنيت و عدالت، توسعه و رشد نسلهاى آينده رابطه بسيار نزديك با حفظ محيط زيست و مسائل زيست محيطى دارد، و هر گونه آسيب و تخريب طبيعت بر زندگى سالم انسانى اثر گذار است. چنان كه امروز همه شاهدند كه افت شديد مسائل زيست محيطى ابعاد گوناگون زندگى بشر را به خطر انداخته است. اين خطر زمانى شدت بيشترى يافت كه دو جنگ ويرانگر جهانى در زندگى بشر معاصر رخ داد و استفاده از انواع سلاحهاى مدرن با قدرت تخريبى بسيار بالا با شيوه‏ها و تاكتيكهاى غير بشرى، حيات طبيعى انسانها را به مخاطره افكند.

امروزه همه اذعان دارند كه آثار سوء جنگ‏ها بر طبيعت و محيط زيست از هر عامل ديگر خطرناك‏تر است؛ زيرا در جنگ‏ها حس ضربه زدن و پيروزى يك طرف منازعه بر طرف ديگر و تمايل شديد به انتقام جويى با استفاده از سلاحهاى ويرانگر، به تدريج به وجود مى‏آيد و با دادن تلفات و ضايعات، اين حس روز به روز شدت بيشترى مى‏يابد تا جايى كه دو طرف منازعه هر گونه پايبندى به اصول انسانى و بشرى را فراموش مى‏كنند، و بى رحمانه‏تر از حيوانات درنده به جان يكديگر حمله مى‏برند؛ حتى زندگى و حيات طرفهاى به دور از منازعه را به خطر مى‏اندازند و موجب زيان عظيم بر محيط زيست مى‏شوند؛ تا جايى كه خسارت جنگها بر زندگى انسان و محيط زيست، بشر را به تدريج وادار كرد تدبيرى بسنجد و راهكارى بجويد، تا شايد بتواند جنگها را تا حدودى مهار كند و استفاده از سلاح‏هاى كشتار جمعى و تاكتيك‏هاى غير انسانى را محدود كرده و طرفهاى درگير را ملزم به مراعات حال زنان، كودكان، سالخوردگان، اسيران، مجروحان و غير نظاميان كند و مانع تخريب محيط زيست بشود. از اين رو، بحث حمايت از محيط زيست در جنگها جزو مسائل و موضوع‏هاى حقوق بين الملل و حقوق بشر قرار گرفت، و در اين زمينه فعاليتها و همكاريهاى بين المللى به وجود مى‏آمد.

حال جنگ چيست و چه تاثيرى بر محيط زيست دارد؟ قوانين و حقوق بشر چگونه مى‏تواند در جنگها نقش و كارايى در حفاظت از محيط زيست داشته باشد؟ در اين ميان، اسلام به عنوان دين كامل و پاسخگو به نيازهاى بشر، چه نقشى در حمايت از طبيعت و محيط زيست در جنگها دارد و چه مبانى‏اى را ارائه كرده است؟

اين مقاله كوششى است براى پاسخ به اين نوع پرسشها و تلاشى است براى تعيين مبانى محيط زيست و حقوق بشر در جنگها، تا گامى باشد در راستاى حفاظت از محيط زيست.

نخست به تعريف محيط زيست و جنگ مى‏پردازيم.

مفهوم شناسى‏

محيط زيست عبارت است از آنچه زندگى انسان، حيوان، جانوران، گياهان و جمادات را در برگرفته است؛ نظير آب، خاك، هوا و نور و ساير مظاهر و نمودهاى طبيعت كه هر گونه تغيير و ناهمگونى در آنها زندگى، حيات و رشد را تحت تاثير مثبت و يا منفى قرار مى‏دهد.

طبق تعريف شوراى اقتصادى اروپا: «محيط زيست شامل آب، هوا، خاك و عوامل درونى و برونى مربوط به حيات هر موجود زنده مى‏گردد.»(2)

به طور كلى «محيط زيست» به دو مفهوم به كار رفته است: يكى مفهومى كه از علوم طبيعت نشأت گرفته و در آن با جوامع انسانى با بينش اكولوژيك برخورد مى‏شود؛ يعنى مجموعه‏اى از پديده‏هاى طبيعى و تعادل بين نيروهاى رقيب در طبيعت كه زندگى يك گروه بيولوژيك را مقيد مى‏كند.

دوم مفهومى كه از علوم معمارى و شهر سازى ناشى مى‏شود، و درباره تعاملى است كه بين ساختمان، به مفهوم عام، و محيطى كه در آن ايجاد مى‏شود (محيط طبيعى يا مصنوعى) وجود دارد.(3)

جنگ به دو نوع مشروع و غير مشروع تقسيم شده است، چنان كه در مغرب زمين گروسيوس و ساير حقوقدانان غربى چنين تقسيمى را ارائه كرده‏اند و مداخلات بشر دوستانه را از جمله مصاديق جنگ مشروع ياد كرده‏اند.(4) جنگ مشروع در اسلام، جهاد است(5) كه از آن به نام جهاد دفاعى(6) و رهايى بخش(7) ياد مى‏شود.

اهميت بحث زيست محيطى در جنگ‏ها

بحث محيط زيست و مسائل زيست محيطى ارتباط مستقيم با حيات و زندگى جمعى انسان دارد؛ زيرا هر نوع عارضه و اثر منفى بر محيط زيست، اثر زيانبار بر حيات انسانى دارد، و در اين ميان اثر پديده جنگ بر محيط زيست، از هر عامل ديگر زيانبارتر و نابود كننده‏تر است؛ زيرا زيانهاى آلودگيهاى صوتى در اثر به كارگيرى ابزارهاى جنگى به خصوص استفاده از بمبهاى ويرانگر و احتراق زا، استفاده از بمب‏ها و گازهاى شيميايى در جنگها، محيط زندگى انسان را تبديل به خاكستر مى‏كند. از اين رو ضرورى است كه حمايت از محيط زيست در جنگها از نظر حقوق بشر دوستانه و حقوق بين المللى اسلامى مورد بحث و بررسى قرار گيرد و آثار زيانبار جنگ بر محيط زيست توضيح داده شود.

پيشينه بحث‏

از آغازى كه بشر قدم بر زمين نهاد توجه‏اش به محيطى كه در آن زندگى مى‏كرد، جلب شد و سعى كرد با طبيعت ارتباط برقرار كند، چنان كه داستان حضرت آدم و حوا و جذب شدن به سوى درخت ممنوعه گواهى بر اين گفته است.

همچنين در تعاليم و آيين پيامبران به خصوص در تعاليم رهايى بخش اسلام به مسائل و موضوعات زيست محيطى و حمايت از محيط زيست در جنگها اشاره شده و در متون اسلامى مورد بحث قرار گرفته است(8) و با تشديد جنگها به خصوص با رخداد جنگ جهانى اول و دوم ويرانگر در زندگى انسان، حمايت از محيط زيست در جنگها در كنوانسيونها، و ساير قواعد حقوقى بين المللى مورد توجه قرارگرفته نظير كنوانسيونهاى ژنو مصوب‏1977م و پروتكل‏هاى‏الحاقى آن.

هدف از بحث «حمايت از محيط زيست در جنگها» دستيابى به قواعد حقوقى و تدابير بين المللى بشر دوستانه به خصوص قواعد و قانون بشر دوستانه اسلامى است تا با رعايت و به كارگيرى قوانين بشر دوستانه اسلامى و بين المللى محيط زيست در جنگها كمتر آسيب ببيند.

1- نقش محيط زيست در زندگى انسان‏

محيط زيست طبيعى تأثير شگرفى بر روح و روان آدمى دارد. محيط پاك و آراسته زندگى را معطر مى‏سازد. شنيدن آواز روح بخش پرندگان، ترنم لطيف جويباران، آهنگ دلرباى چشمه ساران، صفاى سبز سبزه زاران، نسيم لطيف كوهستان، رقص دلنشين درختان و زيبايى شهر و ديار، همه و همه تأثير اعجاب انگيزى بر زندگى و حيات انسان دارند. هر كسى از تماشاى چنين منظره‏هاى زيبايى احساس آرامش و نشاط كرده و امنيت و آسايش را در حيات خويش لمس مى‏كند. بر عكس، آسيب رساندن به محيط زيست و نابودى طبيعت باعث زيانهاى جبران ناپذيرى به بشر مى‏شود.

افسردگى و افزايش بيماريهاى روحى و روانى انسان امروز بى ارتباط به آسيب رساندن به محيط زيست نيست. هيچ كس نمى‏تواند منكر تأثير سوء تخريب محيط زيست بر شيوه رفتار آدميان شود، و يا اثر زيانبار او را به اخلاق فردى و جمعى جامعه بشرى ناديده بگيرد.

امام خمينى در مورد تأثير محيط زندگى بر شخصيت آدمى مى‏نويسد:

«محيط تربيت، شخصيت مربى، رفيق همنشين، اثرات شگفت آورى دارند كه همه آن را مشاهده مى‏كنند.»(9)

قرآن كريم درباره اثر طبيعت مى‏فرمايد:

«سرزمين پاكيزه، گياهش به فرمان پروردگار مى‏رويد، اما سرزمينهاى بد طينت [و شوره زار]، جز گياه ناچيز و بى ارزش، از آن نمى‏رويد.»(10)

از اين آيه مباركه استفاده مى‏شود، همان طور كه طبيعت و سرزمين پاك در رشد و پرورش بهينه گياهان مؤثر است، در رشد و تكامل انسان نيز مؤثر است، و همان گونه كه از زمينهاى شوره زار جز گياهان بى ارزش نمى‏رويد، محيط آلوده نيز اثرات زيانبارى بر تربيت انسان دارد.

امام على - عليه السلام - درباره اثر طبيعت بر انسان فرموده است:

«از سرما در آغاز آن (فصل خزان) پرهيز كنيد و در پايان (فصل بهار) به پيشواز آن بشتابيد؛ زيرا سرما بر بدنها همان تأثير را مى‏گذارد كه بر درختها، اوّل آن سوزاننده و نابود كننده است، و پايان آن روياننده و شكوفا كننده.»(11)

كلام امام درباره تأثير طبيعت بر جسم و جان آدمى بسيار روشن است و همان سان كه طبيعت بر جسم و بدن اثر گذار است، بر روح و روان بشر نيز اثر گذار است. ولى متاسفانه طبيعت و محيط زيست سالم در اثر طغيان و قدرت‏طلبى بشر، در جنگها دچار آسيب شده است.

2- عوامل تاثير گذار بر محيط زيست‏

عوامل تأثير گذار بر محيط زيست به سه عامل فيزيكى، بيولوژيكى و عوامل اجتماعى تقسيم شده است:

عوامل فيزيكى: عوامل فيزيكى كه زندگى را تحت تاثير قرار مى‏دهد مثل آب، خاك، حرارت، نور و هوا ست و هر نوع آلودگى و مسموميت در آنها محيط زيست را تحت تأثير سوء قرار مى‏دهد؛

عوامل بيولوژيكى: نظير عناصر عفونت زا و بيمارى آور همانند ميكروبها و باكتريها كه اثر نامطلوب روى انسان، حيوان، حشرات و گياهان مى‏گذارد؛

عوامل اجتماعى: نظير دين، مذهب، فرهنگ، اقتصاد، سياست، عدالت، ظلم و اجحاف و ساير نمودها و كار كردهاى اجتماعى مى‏تواند زندگى و محيط زيست را تحت تاثير قرار بدهد.

در اين ميان، جنگ در شمار عامل فيزيكى قرار دارد كه به وسيله ايجاد نور، آتش، صوت‏هاى مخرب، و به وجود آوردن آلودگى و مسموميّت در آب، خاك، هوا باعث تخريب محيط زيست و اثرات سوء در آن مى‏شود.

3- جنگ، واقعيت رايج زندگى انسان

جنگ چه در جامعه داخلى و چه در روابط خارجى واقعيت و پديده رايج بوده تا جايى كه دانشمندان به توجيه جنگ پرداخته و آن را به جنگ مشروع و غير مشروع تقسيم كرده‏اند، چنان كه بين قرن‏هاى شانزدهم تا نوزدهم ميلادى گريسيوس و برخى نويسندگان حقوق بين الملل چنين تقسيمى از جنگ ارائه دادند(12). ولى اسلام كه آيين صلح، عدالت و امنيت است به جنگ به عنوان پديده عارضى و براى رفع و دفع ظلم و ستم و استقرار آيين توحيد و رهايى انسان از بند طغيان و ستم نگاه مى‏كند، و جنگ را در چار چوب قانون، و رعايت حقوق و شئون انسان بعد از اصل اجتناب ناپذيرى از آن تنظيم كرده است. از ديدگاه اسلام آغاز به جنگ جايز نيست.(13)

در اسلام اصل حمايت از غير نظاميان، رفتار انسانى با اسيران، رعايت حال زنان، پيران، كودكان، عابران و رهبانان، مورد توجه قرار گرفته و عنايت خاص به حفظ محيط زيست شده است و قرنها قبل از شكل‏گيرى حقوق بين المللى بشر دوستانه، حقوق بشر دوستانه در اسلام پايه ريزى شده و در متون دينى و اسلامى مورد تأكيد قرار گرفته و براى حفاظت از محيط زيست قواعد و مقررات بشر دوستانه در نظر گرفته شده است.

4- آثار جنگها بر محيط زيست‏

آلودگى و تخريب محيط زيست باعث گسترش فقر، بى عدالتى و نارضايتى مى‏شود؛ ناامنى و بى ثباتى را در كشورها تشديد مى‏كند؛ جنگهاى خونين و ويرانگر ضربات سهمگينى به طبيعت، آب‏هاى شيرين، سلامت جسمى و روانى مردم وارد مى‏كند.

آثار زيانبار جنگ و خشنونت، عوارض سوء و خطرناك تخريب زيست محيطى را به طور كوتاه مدت و بلند مدت به جاى مى‏گذارد. به خصوص به كارگيرى جنگ افزارهاى كشتار جمعى و پيشرفته كه قدرت تخريبى گسترده دارد و يا به كارگيرى سلاحهايى كه داراى مواد آلاينده و خطرناك هستند، نظير سلاحها و گازهايى شيميايى كه خطر جدى براى همه نسلها است.

جنگها در زندگى بشر چنان اثر منفى بر محيط زيست از خود بر جاى گذاشت كه سازمانها و نهادهاى بين المللى به مرور زمان براى حمايت از محيط زيست شكل گرفت؛ چنان كه «كميته صليب سرخ جهانى» در دوران جنگ به هدف كمك و حمايت به هر كس كه به هر دليلى محروم مانده از جمله كمك به آسيب ديدگان دوران جنگ، در سال 1863م تاسيس يافت و طبق پيمان نامه‏هاى 1949م ژنو، پروتكل الحاقى 1977م داراى شخصيت بين المللى شناخته شد و رسالت خود را به خصوص در دوران جنگ و حمايت از آسيب ديدگان انجام داده است.

از جمله جنگهايى كه در سه دهه اخير اثرات نامطلوبى بر محيط زيست بر جاى گذاشت، جنگهاى ايران و عراق، جنگ خليج فارس، جنگ افغانستان و نيز حمله نيروهاى خارجى به سر كردگى آمريكا به عراق، جنگ بوسنى و كوزوو، فلسطين اشغالى و نظاير آنهاست كه به اختصار به پاره‏اى از آنها اشاره مى‏شود:

الف - آثار جنگ ايران و عراق بر محيط زيست‏

در جنگ ايران و عراق از گازهاى خطرناك شيميايى توسط عراق عليه نيروهاى ايرانى استفاده شد. ارتش عراق 142 بار در سه ماهه اول سال 59 و 410 بار در سه ماهه دوم همان سال به مرزهاى ايران حمله كرده است.(14)

192 فروند هواپيماى جنگنده نيروى هوايى ارتش عراق در 31 شهريور به داخل خاك ايران يورش آوردند. در اين جنگ صدام حسين با نقض پروتكل 1925م. ژنو، براى نخستين بار در تاريخ جنگ‏ها، از سلاح شيميايى عليه غير نظاميان و عليه محيط زيست استفاده كرد. در سال 1359ش. عراق به منطقه «بياندره» بين مثلث سقز، بانه و مريوان در استان كردستان با استفاده از بمب‏هاى فسفرى حمله كرد. در همين سال عراق در منطقه عمومى «ميمك» در استان ايلام و در محورهاى «هلاله» و «نى خزر» از سلاح شيميايى استفاده كرد.

سال 1361ش، عراق با به كارگيرى سلاح‏هاى شيميايى عمل كننده بر سيستم اعصاب، در مناطق آبادان، مريوان و تپه‏هاى شرقى شلمچه، مرحله جديدى از اين سلاح مرگ بار را به نمايش گذاشت. پس از شكست عراق در عمليات «والفجر 8» و تصرف فاو، عراق در خطوط مقدم شهر فاو، سواحل اروند رود، دهانه خليج فارس، خسرو آباد، خرمشهر، پادگان حميديه و عقبه‏هاى جنگ (جاده‏ها، اورژانس‏ها، بيمارستان) از سلاح شيميايى استفاده كرد. در 7 تير 1366 چهار فروند هواپيماى عراقى شش بمب شيميايى دو قلو، حاوى 550 تن گاز «خردل آرسنيك دار» معروف به گاز «خردل كثيف» را بارگيرى كردند. هدف حمله عبارت بود از: «شهر سردشت.»

مدير روابط عمومى «انجمن حمايت از قربانيان سلاح‏هاى شيميايى» طىّ مصاحبه‏اى اعلام داشت: شهرهاى سردشت و اشنويه در آذربايجان غربى، روستاهاى آلوت، بوالحسن در بانه و روستاهاى بالك، نى، نژمار، قلعه جى در مريوان از استان كردستان، روستاهاى اطراف سر پل ذهاب و گيلان غرب در استان كرمانشاه، توسط صدام بمباران شيميايى شده‏اند.

وى افزود: تنها در يك حمله هوايى به روستاهاى اطراف مريوان از 300 بمب حاوى گاز خردل استفاده شده و در حمله ديگرى به روستاى «زرده» در منطقه «ريجاب» 250 نفر از مردم در دم كشته شده‏اند.

بيش از بيست سال از بمباران شيميايى سردشت مى‏گذرد و تعداد مصدومان شيميايى همچنان نامشخص است و طبق برآوردها، از ميان حدود 4 ميليون نفر كه درگير جنگ بوده‏اند حداقل يك ميليون نفر از آنان در معرض سلاح‏هاى شيميايى قرار گرفته و آلوده شده‏اند. امكان دارد اين افراد داراى عوارض ديررس باشند.(15)

سلاحهاى شيميايى اثرهاى بسيار نامطلوبى بر محيط زيست دارند. آثار مخرب سلاحهاى شيميايى بر مردم به ويژه كودكان و زنان بسيار بالا و از حساسيت خاص بين المللى برخوردار است و به همين دليل هر ساله با حضور سران كشورهاى عضو كنوانسيون منع سلاحهاى شيميايى كنفرانسى در لاهه برگزار مى‏شود و در پايان بيانيه‏اى به منظور حفاظت از محيط زيست و تاثيرهاى زيست محيطى سلاحهاى شيميايى صادر مى‏شود. در اجلاس سال 1384ش. كه از 16 تا 22 آبان ماه در لاهه هلند بر گزار شد، نخستين بار نمايشگاه آثار سلاحهاى شيميايى بر مردم به ويژه كودكان و زنان و آثار زيست محيطى سلاحهاى شيميايى در حاشيه اين اجلاس جهانى برگزار شد كه مورد بررسى نمايندگان 171 كشور عضو اين اجلاس قرار گرفت.(16)

ب - آثار سوء جنگ عراق بر محيط زيست‏

جنگهاى عراق نظير جنگ خليج فارس، حمله عراق به كويت و حمله آمريكا با متحدانش به عراق آثار زيانبارى بر محيط زيست به جا گذاشت. با پايان يافتن جنگ دوم خليج فارس در سال 1991م. دو ميليون نفر از مردم عراق به سوى ايران و تركيه سرازير شدند و زندگى اسفبار مردم در اين كشور حتى بر افكار عمومى جهان اثر نهاد. شوراى امنيت با بررسى اوضاع اسفبار عراق قطعنامه 688 را در تاريخ 5 آوريل 1991م. در باره نقض حقوق بشر و صلح و امنيت صادر در عراق و از كشتار و حركت گسترده آوارگان به سوى مرزهاى بين المللى ابراز نگرانى كرد نيز بر اثر حمله عراق به كويت در 16 اوت 1990م. محيط زيست به شدت آسيب ديد، رنج شديد غير نظاميان و مردم عادى عراق به خاطر كمبود مواد غذايى و آمار وحشتناك مرگ و مير و گرسنگى در عراق شوراى امنيت را به صدور قطعنامه 706 در 15 اوت 1991م. واداشت.

همچنين در حمله آمريكا به عراق در سال 2003م. موج ناامنى و آوارگى اين كشور را فرا گرفت و آثار سوء و زيانبارى بر محيط زيست نهاد و زندگى توام با رنج و دشوارى در اين كشور سبب شد كه موضوع حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه در اين كشور مورد توجه قرار گيرد.

ج - جنگ افغانستان و آسيب ديدن محيط زيست

جنگ در افغانستان كه با كودتاى حزب خلق به سال 1357 ش. و سرنگونى رژيم محمد داود آغاز شد، با اشغال افغانستان توسط ارتش شوروى سابق شدت يافت و با پيروزى مجاهدان و آغاز جنگهاى داخلى و ظهور طالبان سالها ادامه پيدا كرد، اين همه، آثار زيانبارى بر محيط زيست بر جاى نهاد، تا جايى كه ميليونها نفر بى‏خانمان و از كشور آواره شدند؛ خانه‏هاى غير نظاميان با خاك يكسان شد؛ مزرعه‏ها و باغ‏ها به كلى از بين رفت؛ بى ثباتى و نا امنى جان هزاران انسان را گرفت؛ انتقام‏گيرى، ترور و اعدامهاى وحشيانه اين كشور را به كابوس وحشتناكى تبديل كرد؛ آثار زيانبار جنگ بر جسم و روان انسانها در اين كشور هويدا شد و زندگى توام با رنج و فشار و از بين رفتن صلح و امنيت جامعه جهانى را وادار به پيدا كردن راه حلى كرد كه منجر به اجلاس و «معاهده بن» گرديد.

كمبود آب، برق، بيمارستان، مكتب، خرابى راه‏ها و شهرها حكايت روشنى از آسيب ديدن محيط زيست در افغانستان دارد، به گونه‏اى كه تا زمان حاضر نيز آثار آن حتى در پايتخت كشور پيداست.

تلفات و خسارات وارده بر حيات انسانى در جنگ افغانستان به بيش از يك ميليون نفر مى‏رسند و ميليونها انسان آواره شدند و بر اثر از بين رفتن خانه‏هاى مسكونى، و آسيب ديدن مزرعه‏ها و باغ‏ها به كشورهاى ديگر مهاجرت كردند.

بر اثر جنگ افغانستان زير ساختهاى اقتصادى و زراعتى به كلى از بين رفت. گنجينه‏هاى ملى، وحوش و طيور و باغ‏ها و جنگلها نابود شد. محيط زيست چنان آسيب ديد كه علاج آن به ده‏ها سال تلاش و فعاليت نياز دارد.

در افغانستان ميليونها مين ضد نفر به كار رفته و سياست زمين سوخته اعمال شده است. بر اثر جنگ زمينهاى بسيار وسيعى از افغانستان استعداد زراعت و كشت را از دست داده است. در پاره‏اى از نقاط كشور آبها سمى و زهراگين شده كه موجب بيمارى‏هاى خطرناك حيوانى، گياهى و انسانى مى‏شود.

در جنگ افغانستان، ارتش شوروى سلاحها و جنگ افزارهاى مدرنى را به كار برد كه تاثير منفى بسيار بالايى بر محيط زيست داشت.

روسها بيش از 115000 هزار سرباز مسلح را علاوه بر ارتش افغانستان در جنگ عليه مردم افغانستان به كار گرفتند كه حاصل آن كشتن و معيوب كردن انسانها، از بين بردن خانه‏ها و ويرانى اين سرزمين بود.

در جنگ افغانستان، شوروى از گازهاى شميايى، گاز ضد اعصاب، گاز زرد استفاده كرد. بيشتر مهمات نظامى به كاربرده شده از مواد سمى تركيب يافته از مواد شيميايى بود.

به كارگيرى اين سلاحها همه داراى يك اثر مشترك بودند كه عبارت است از تخريب محيط زيست و وارد كردن خسارات جبران‏ناپذير بر طبيعت، نظير آب، خاك، گياه، حيوانات و انسانها.

در افغانستان طبق اظهارات مؤسسات بين المللى، ملييونها مين ضد نفر كاشته شده كه هر ماه حدود صد نفر قربانى مى‏گيرند. مهمات منفجر نشده در زير خاك با گذشت زمان تجزيه شده و در اثر فعل و انفعالات شيميايى مواد زهر آلود اثر نامطلوبى بر خاك مى‏گذارد. همچنين اراضى وسيع سوخته خاصيت زراعتى خويش را در افغانستان از دست داده است.

زيانهاى ناشى از آلودگى خاك كه محيط زيست و از جمله انسان را تحت تاثير قرار مى‏دهد از اين قرار است:

يك: تماس مستقيم با اين گونه مهمات كه از بسيارى از آنها گازهاى خطرناك آزاد مى‏شود، باعث آلودگى هوا و آتش سوزى مى‏شود؛

دو: موجب آلودگى و سمى شدن خاك مى‏شود؛

سه: باعث آلودگى آبهاى سطحى و زير زمينى مى‏شود؛

چهار: باعث زيان بر گياهان مى‏شود و از طريق سيستم غذايى زندگى انسان را تحت تاثير قرار مى‏دهد؛

پنج: مواد آلوده و سمى بر اثر ريزش برف و باران به آبهاى زيرزمينى منتقل مى‏شود و آبهاى زيرزمينى آلوده شده باعث از بين رفتن كيفيت و خاصيت آب مى‏شود. همچنين زندگى حيوانات و گياهانى را كه در آب زندگى مى‏كنند با خطر مواجه مى‏سازد، و موجب مسموميت و بيمارى در انسان مى‏شود.

بر اثر جنگ افغانستان جنگلها به شدت آسيب ديد، روسها برخى از جنگلها را به آتش كشيدند. در سال 1980م درختان دو طرفه خيابان كابل - چاريكار، خيابان دارالامان - دهمزنگ، و خيابان چهلستون - گذرگاه را به كلى قطع كردند به بهانه آن كه مجاهدان خود را در پشت درختان پنهان مى‏كردند.

همچنين بر اثر جنگ و بحران، جنگلهاى افغانستان به شكل بسيار بى رويه‏اى غارت شد و اين روند حتى تا به امروز ادامه دارد.

جنگلهاى كشور كه محل امن براى پرورش حيوانات و محل زيست صدها نوع حيوان و پرنده بود و مهمترين ركن محيط زيست كشور به شمار مى‏رفت، به طور وحشيانه بريده شده و صدها هزار تن چوب از جنگلهاى كشور به پاكستان سرازير مى‏شود. چوبهاى جنگلهاى افغانستان همچون مواد مخدر افغانستان به كشورهاى همجوار قاچاق شده تا به عربستان سعودى مى‏رسد.

قيمت چوبهايى كه از جنگلهاى افغانستان در طول جنگ غارت شده به صدها ميليون دلار مى‏رسد، خساراتى كه از اين ناحيه بر محيط زيست در طول جنگ رسيده، بسيار اسفناك است.

زمينهاى زراعتى و زارعين كشور به شدت آسيب ديدند. و علاوه بر آن، دهقانان و كشاورزان زيادى در حال كشت و كار كشته شدند و صدها هزار نفر بر اثر زندگى دشوار و رنج آور جنگى غير قابل تحمل، زمينهاى زراعتى را رها و مهاجرت كردند و از اين رهگذر بر زمينهاى زراعتى آسيب جدى وارد شد، و بسيارى از زمينهاى زراعتى و باغهاى كشور خراب شد و از بين رفت.

نيز افسردگى و آثار سوء روحى و روانى جنگها در افراد آسيب ديده پيداست، چنان كه پژوهشگران مركز كنترل و جلوگيرى از بيمارى سازمان تحقيقاتى پزشكى مستقر در آتلانتاى آمريكا در گزارش خود گفته‏اند: «از هر سه شهروند افغانستان كه پانزده سال يا بيشتر سن دارند، دو نفر نشانه‏هاى افسردگى و ساير ناراحتيهاى روانى را از خود بروز مى‏دهند.»(17)

بعد از خروج نيروهاى شوروى سابق از افغانستان و روى كار آمدن مجاهدان و به خصوص در تهاجمات نظامى و بى رحمانه طالبان در مناطق مختلف افغانستان از جمله در مناطق مركزى و شمال افغانستان، خسارتهاى زيانبارى بر محيط زيست وارد آمد. به خطر انداختن زندگى غير نظاميان، قتل عام اسيران، زنان، كودكان و سالخوردگان، سوزاندن منازل مسكونى، ايجاد اضطراب و فشارهاى غير قابل تحمل روحى و روانى، كوچاندن اجبارى، آوارگى، بى‏خانمانى و مهاجرت غير نظاميان به كشورهاى خارج از آن جمله است.

طالبان در زمستان 1375 بيش از صد و هشتاد هزار نفر از غير نظاميان را در مناطق شمالى به جرم همكارى با مخالفان، از خانه‏هايشان آواره كردند؛ خانه‏هاى مسكونى را به آتش كشيده و سياست زمين سوخته را اعمال كردند؛ انسان‏ها را با چاقو سر بريدند، مزرعه‏ها و باغ‏هاى انگور را آتش زدند و يا از ريشه در آوردند،(18) و با نقض آشكار حقوق بشر با حيله و نيرنگ اسير گرفتند و با بدترين شيوه اسيران را كشته و بى رحمانه مثله كردند.(19)

جنگ آثار سوء بر محيط زيست دارد، از اين رو به جاست كه قواعد و مقررات حقوق بشر دوستانه در اسلام و همچنين قانون و مقرراتى كه در كنوانسيونهاى بين المللى آمده مورد پژوهش قرار گيرد.

ادامه دارد...

پي نوشت ها:

1) مدافعان حقوق بشر، ترجمه اسماعيل حكيمى، كابل، ص‏10.

2) حقوق محيط زيست، الكساندر كيس، ترجمه حبيبى، تهران، دانشگاه تهران، ص‏6.

3) حقوق محيط زيست در ايران، مصطفى تقى زاده انصارى، ص‏6 و 7.

4) فرهنگ حقوق بشر، بهمن آقايى، گنج دانش، 1376 ش، ص‏182؛ مفاهيم كليدى حقوق بشر بين المللى، مهدى ذاكريان، تهران، نشر ميزان، 1383 ش، ص‏194.

5) حقوق بين المللى، جلال الدين فارسى، انتشارات جهان آراء ص‏13.

6) قاتلوا فى سبيل اللَّه الذين يقاتلونكم ولا تعتدوا ان اللَّه لايحب المعتدين» سوره بقره (2) آيه 190.

7) اذن للذين يقاتلون بانّهم ظُلموا وانّ اللَّه على نصرهم لقدير الذين اُخرجوا من ديارهم بغير حق الاّ ان يقولوا ربنا اللَّه...» سوره حج (22) آيه 39 - 40.

8) وسائل الشيعة، حر عاملى، ج‏11،ص‏443 - 44، كتاب جهاد، باب 15، ح‏2 و 3.

9) طلب و اراده، امام خمينى، مركز انتشارات علمى و فرهنگى، 1362، ص‏147 - 148.

10) والبلد الطيب يخرج نباته باذن ربّه والذى خبث لا يخرج الاّ نكداً...»، سوره اعراف (7) آيه 58.

11) توقّوا البرد فى اوّله، و تلقّوه فى آخره، فانّه يفعل فى الابدان كفعله فى الاشجار: اوّله يحرق وآخره يُورق.» نهج البلاغه، فيض الاسلام، حكمت 123، صبحى صالح، حكمت 128.

12) مفاهيم كليدى حقوق بشر بين المللى، مهدى ذاكريان، ص‏208.

13) ر. ك: سوره بقره (2) آيات 190، 194و 208؛ سوره انبيا (21) آيه 107؛ سوره توبه (9) آيه 36؛ سوره حج (22) آيه 39 - 40؛ سوره ممتحنه (60) آيه 9؛ سوره مائده (5) آيه 2؛ نقش اسلام در توسعه حقوق بين الملل، عبدالحكيم سليمى، قم، مؤسسه آموزشى و پژوهشى امام خمينى، 1382، ص‏231.

14) ر.ك: اجتناب ناپذيرى جنگ، محمد دروديان.

15) برگرفته از سايت خبر گزارى آفتاب.

16) همان.

17) بولتن خبرى افغانستان، مؤسسه فرهنگى بشارت، سال دوم، شماره 19، ص‏7.

18) افغانستان در سه دهه اخير، گروه پژوهش سينا، مؤسسه ثقلين، 1381 ش، ص‏1064.

19) طالبان، رهبر شيعيان، مزارى را با تعدادى از يارانش به بهانه مذاكره، در كابل اسير گرفتند و با فجيع‏ترين وضع به شهادت رساندند و اجساد شهدا را مثله كردند.